



زندگینامه شهید مجید شهریاری



مقام معظم رهبری (مد ظله) در دیدار با خانواده شهید شهریار:

«شهادت دکتر شهریار، آبرویی داد به جامعه علمی کشور، شهادت همچنین شخصیت برجسته و مورد قبولی، به دشمن نشان داد که در محیط علمی جمهوری اسلامی، اینچنین شخصیت ها و انگیزه های وجود دارد.»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	بخشی از زندگینامه علمی شهید شهرداری از زبان خودش
۲.....	سوابق علمی
۳.....	ازدواج
۳.....	استادی
۴.....	خصوصیات اخلاقی
۴.....	خمس دادن شهید شهرداری از بچگی
۴.....	شرکت نکردن در مراسم گناه عروسی
۵.....	احترام به بزرگترها
۵.....	عدم شرکت در مراسم غیبت
۶.....	اهل نماز شب
۷.....	مشاغل اجرایی ایشان به شرح زیر بوده است:
	خصوصیات شهید شهرداری و تعبیر آیت‌الله جوادی آملی از جایگاه شهید شهرداری در سرای
۸.....	باقی از زبان همسر شهید:
۱۳.....	خاطره سردار نقدی از شهید شهرداری و شاگردان چادری‌اش
۱۴.....	تنظیم وقت دکتر شهرداری
۱۴.....	اخلاق دکتر شهرداری
۱۵.....	شهید شهرداری
۱۵.....	شهید شهرداری؛ دانشمندی که گفت جمهوری اسلامی «می‌تواند» و «باید بتواند»

- ۱۹ «نفر اول کنکور ارشد هسته‌ای» که «عارف و عابد برگزیده الهی» هم بود..... ۱۹
- ۱۹ جشن ارتقاء شهید دکتر مجید شهرياری به درجه استادی ۱۹
- ۲۰ دیدار رهبر انقلاب با خانواده شهید دکتر شهرياری ۲۰
- ۲۴ مسئولیت ترور شهید شهرياری با کیست؟ ۲۴
- ۲۵ روایت دکتر سعید جلیلی از نقش شهید شهرياری در ارتقای صنعت هسته‌ای ایران ۲۵
- ۲۵ و اما حرف آخر؛ ما همه فرزندان امام روح‌الله هستیم ۲۵
- ۲۶ مشارکت سیا و موساد و منافقین در ترور شهید شهرياری ۲۶
- ۲۷ روایت شهادت از زبان محافظ دکتر شهرياری ۲۷
- ۲۸ روایت شهادت از زبان همسر دکتر شهرياری (حسرت آخرین دیدار) ۲۸
- ۳۱ وصیت نامه ی شهید مجید شهرياری ۳۱
- ۳۴ پیام همسر شهید مجید شهرياری پس از شهادت ۳۴

مشخصات شهید مجید شهریاری

- نام و نام خانوادگی: مجید شهریاری
- نام پدر: غلامرضا
- محل تولد: زنجان
- تاریخ ولادت: ۱۳۴۵/۰۹/۱۶
- تاریخ شهادت: ۱۳۸۹/۰۹/۰۸
- محل شهادت: بمب گذاری ماشین در حین رفتن به دانشگاه
- مدت عمر: ۴۴ سال
- محل مزار: شهدای آستان مقدس امامزاده صالح

شهید مجید شهریاری متولد آذرماه ۱۳۴۵ در زنجان چشم به جهان گشود. اوفزند اول خانواده و متاهل و دارای دو فرزند به نام‌های محسن و زهرا بود. همسر این شهید بزرگوار، بهجت قاسمی عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی است. او از همان دوران بچگی با مسائل ضداخلاقی مبارزه کرد تا اینکه در پایگاه بسیج فعالیتش را آغاز کرد.

بخشی از زندگینامه علمی شهید شهریاری از زبان خودش

«اینجانب در کنکور سراسری سال ۱۳۶۳ با کسب رتبه دوم در سهمیه مربوطه در رشته الکترونیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر پذیرفته شده و پس از فراغت تحصیل در کنکور کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای شرکت کرده و با کسب رتبه اول، تحصیلات خود را از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه صنعتی شریف

آغاز کردم. در سال ۱۳۷۱ نیز دوره کارشناسی ارشد خود را به پایان رساندم و با توجه به کسب رتبه اول در دوره مذکور با استفاده از آیین نامه دانشجویان رتبه اول، در دوره دکتری علوم و تکنولوژی هسته ای دانشگاه صنعتی امیرکبیر پذیرفته شدم. تحصیلات دوره دکتری خود را نیز در سال ۱۳۷۷ به پایان رسانده و از آبان ماه ۱۳۷۷ نیز به عنوان عضو هیئت علمی در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مشغول به کار شدم...

با توجه به عدم شرایط مناسب برای ادامه فعالیت علمی در دانشکده مذکور عدم تمایل خود به ادامه همکاری با دانشگاه امیرکبیر اعلام کرده و با پذیرش استعفای اینجانب از سوی دانشگاه امیرکبیر قرار داد همکاری اینجانب با دانشگاه امیرکبیر از تاریخ ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۸۰ به اتمام رسید.»

سوابق علمی

شهید مجید شهریاری، دروسی هم چون فیزیک عمومی و پایه، فیزیک راکتور و دینامیک راکتورهای هسته ای را تدریس می کرده و چهار کتاب مرتبط با حوزه کاری خود تألیف نموده و چندین مقاله بین المللی در زمینه مهندسی هسته ای، در مجلات معتبر به چاپ رسانده است.

برگزاری دوره هایی چون «کارگاه آموزشی آشنایی با کدهای محاسباتی راکتورهای هسته ای» از جمله سوابق دکتر شهریاری است. یکی از طرح های

مهم دکتر شهریاری، طراحی های تئوریک مربوط به ساخت نسل جدید راکتورهای هسته ای است که بازتاب زیادی نیز در مراکز علمی جهان داشت. او از جمله کارشناس ارشد مبارزه با کرم رایانه ای استاکس نت بود.

ازدواج

شهید مجید شهریاری در دوره لیسانس با اینکه یک دانشجوی خوابگاهی بود، بسیار ساده ازدواج کرد. خانواده همسرش هم خانواده کم توقعی بودند و با یک مراسم ساده برگرفته از زندگی ائمه معصومان (ع) زندگی خود را آغاز کردند. بیشتر از این هم از مجید انتظار نمی رفت، چون او از همان اول ساده زندگی می کرد و اصلا اهل تجملات نبود، او حتی به دانشجویان خود هم توصیه می کرد که در ازدواج کردن شرایط را برای خودشان سخت نکنند.

استادی

شهید شهریاری سال ۱۳۸۸ و بر اساس تصویب هیات ممیزه به درجه استادی ارتقاء پیدا کرد. بعد از چهار سال دوره دانشیاری و حدود هشت سال از زمان شروع به کار که حداقل زمان لازم برای برای ارتقاء به درجه استادی است، به این مرتبه ارتقاء یافت. نمره کیفیت تدریس او در دوره دانشیاری ۱۹،۴۶ از ۲۰ بود. به علاوه، فقط از ماده ۲ آئین نامه ارتقاء، ۱۱۵،۸۳ امتیاز کسب کرد. جمع امتیازهای وی برای ارتقاء به مرتبه استادی ۱۶۹،۷۹ بود. در

دوره دانشجویی، استاد راهنمای ۱۷ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۵ دانشجوی دکترا بود و ۲۱ مقاله تخصصی در مجلات علمی پژوهشی به چاپ رساند. هم‌چنین در ۲۴ کنفرانس بین‌المللی به ایراد سخنرانی در رشته تخصصی خود پرداخت و در این دوره مجری ۵ طرح پژوهشی بود.

خصوصیات اخلاقی

دردوران کودکی آرام بود و هیچ وقت برای مادرش اذیتی نداشت. مجید از همان چهار پنج سالگی نماز خواندن را یاد گرفته بود و نمازهای یومیه‌اش را کامل می‌خواند، خاطر م هست که از هفت یا هشت سالگی نیز نزد حاج آقا سلیمی قرآن و معارف دینی را یاد می‌گرفت.

خمس دادن شهید شهرباری از بچگی

شهید شهرباری سن زیادی نداشت، اما از همان ایام حتی سنین ۱۰ سالگی، خمس پول تو جیبی‌اش را می‌داد، هر چند که خانواده به او تأکید می‌کرد، نیازی به دادن خمس پول تو جیبی نیست، اما با این حال مجید به این موضوعات اهمیت زیادی می‌داد.

شرکت نکردن در مراسم گناه عروسی

او به موضوعات دینی نیز اهمیت زیادی می‌داد و حتی در مراسم‌های عروسی که غیر از صلوات و مولودی بود، حضور پیدا نمی‌کرد.

احترام به بزرگترها

از همان کودکی به افراد بزرگتر از خود احترام می‌گذاشت و اصلاً زمینه ناراحتی هیچ کس را فراهم نمی‌ساخت، البته در خانواده به این موضوع بسیار اهمیت داده میشد و اولویتشان احترام به بزرگترها بود و همین امر باعث شده بود که مجید هم همین‌طور تربیت شود.

عدم شرکت در مراسم غیبت

به نظرم رمز موفقیت ایشان این بود که به موضوعات عمیق قرآنی پی برده بود و البته به آن عمل هم می‌کرد؛ برای مثال هیچگاه در مراسم غیبت شرکت نمی‌کرد. مجید همیشه خودش را در محضر خدا می‌دانست و خدا را همیشه ناظر بر اعمال خود می‌دید و علاقه شدیدی به تلاوت قرآن داشت و به آن عمل هم می‌کرد و رمز موفقیت ایشان پی بردن به رموز قرآنی بود، از طرفی ایشان در آموزش علم به دیگران بخل نداشت و از هر آنچه می‌دانست به دیگران آموزش می‌داد. یکی از دانشجویان درباره ی این صفات بارز ایشان تعریف می‌کرد که یک روز برای حل مسئله‌ای به مشکل برخورد بود که هیچ یک از اساتید نتوانسته بودند آن را حل کنند، با خود تصمیم می‌گیرد که پیش برادر شهیدم (مجید) برود و جواب را از او بگیرد.

این دانشجو می‌گفت: وقت اذان ظهر بود و شهید شهرباری می‌رفت که برای نماز وضو بگیرد، با دیدن پریشانی‌ام از من خواست که مسئله را برای او

بخوانم، مسئله را برای شهید شهرداری خواندم و ایشان در سه مرحله وقتی آب بر صورت می‌ریختند، آب بر دست راست می‌ریختند و آب بر دست چپ می‌ریختند برایم حل کردند.

اهل نماز شب

شهید شهرداری شب‌ها مشغول نماز شب بود و این رویه مجید بود، به ندرت اتفاق می‌افتاد نماز شب مجید قضا شود. به ویژه در ماههای اخرا عمر به شدت در نماز شب گریه می‌کرد و صدای الهی العفو شبانه او همچنان در گوش همسرش زنگ می‌زند. همسر دکتر شهرداری تواضع و حجب و حیای او را مثال زدنی می‌خواند و می‌گوید به جرات می‌گویم در تمام زندگی مشترکمان کلمه‌ای از مجید دروغ نشنیدم. به همین دلیل است که می‌گویم اگر مجید شهید نمی‌شد عجیب بود.



مشاغل اجرایی ایشان به شرح زیر بوده است:

_نماینده دانشگاه شهید بهشتی در امور اجرایی همکاری با سازمان

انرژی هسته ای ۱۳۸۳/۱۱/۴ تا زمان شهادت

_عضو انجمن هسته ای ایران از ۱۳۸۳/۱۲/۱ تا ۱۳۸۵/۱۲/۱

_مدیر گروه کاربرد پرتوها از ۱۳۸۴/۷/۳ تا زمان شهادت

_عضو شورای آزمایشگاه مرکزی دانشگاه از ۱۳۸۵/۵/۱۸ تا

۱۳۸۶/۷/۱

_عضو شورای فناوری دانشگاه از ۱۳۸۱/۹/۲۵ تا ۱۳۸۶/۷/۱

_عضو کمیته تخصصی فنی و مهندسی هیات ممیزه از ۱۳۸۶/۱۱/۱۰

تا زمان شهادت

_مشاور جمهوری اسلامی ایران در پروژه سزامی از ۱۳۸۷/۳/۲۵ تا

زمان شهادت

_برگزار کننده چهار کمیته علمی و کارگاه آموزشی از ۱۳۸۵ تا زمان

شهادت

وسرانجام این دانشمند فرزانه و استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید

بهشتی ایران در تهران در تاریخ ۸ آذر ۱۳۸۹ توسط رژیم صهیونیستی و

باهمکاری اطلاعاتی منافقین در یک عملیات تروریستی به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

خصوصیات شهید شهرداری و تعبیر آیت الله جوادی آملی از جایگاه شهید شهرداری در سرای باقی از زبان همسر شهید:

دکتر بهجت قاسمی همسر شهید مجید شهرداری استاد برجسته فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی در دیدار مسئولان جهاد دانشگاهی که در منزل شهید شهرداری برگزار شد با اشاره به اینکه من و شهید شهرداری خود را از اعضای دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌دانیم، افزود: زمانی وارد دانشگاه صنعتی امیرکبیر شدم که به تازگی دوره کارشناسی خود را به اتمام رسانده بودم و هنوز شهید شهرداری را نمی‌شناختم. چند سالی را در دانشگاه صنعتی امیرکبیر حضور داشتم و بالاخره در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مهندسی هسته‌ای از دانشگاه صنعتی شریف قبول شدم و در این دانشگاه بود که با شهید شهرداری آشنا شدم. شهید شهرداری دانشجوی نمونه و به قولی تاپ دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه صنعتی شریف بود. شهید شهرداری را در ابتدا در ترم اول تحصیل خود دیدم و همیشه وی در سایت دانشگاه حضور داشت و به قولی مرجع دانشگاه و دانشجویان بود. همسرم فردی آرام و ساکت بود و دائماً با دانشجویان در مباحث علمی به بحث می‌پرداخت و اساتید دانشگاه

صنعتی شریف بسیار وی را دوست داشتند. در ترم دوم تحصیلی خود کرسی درسی برپا داشت تا در این کلاس بیشتر با شهید شهرداری آشنا شدم.

ایشان گفتند: مراسم ازدواج من و شهید شهرداری در سلف سرویس اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد که به نظرم اکنون این محل به یک محل اداری تبدیل شده است و به یاد دارم که پس از آن با لباس عروس به خوابگاه رفتیم و زندگی بی تکلف خود را آغاز کردیم.

شهید شهرداری از نظر رفتاری بسیار نمونه بود و فردی بسیار متشرع بود. در کلاس درس سن و سال من از بقیه دانشجویان بیشتر بود و در آن زمان کارمند دانشگاه صنعتی امیرکبیر هم بودم و دانشجویان جوانتر از متشرع بودن شهید شهرداری بسیار تعریف و تمجید می کردند و این امر باعث می شد تا وی را بیشتر بشناسم.

پس از ازدواج با شهید شهرداری عمق رفتار نمونه و متشرع بودنش را در زندگی شخصی خودمان دیدم و نماز شب خواندن همسر را دیدم. در شب اول ازدواج مان سجاده نماز شب شهید شهرداری پهن بود. شهید شهرداری بسیار اخلاقی بود و ادب، نگاه، صحبت، رفتار و تقدم سلام وی همیشه زبان زد بود. در زمانی که قرار بود تز خود را ارائه دهم تا ساعت ۲۲ یا

۲۳ در خارج از منزل حضور داشتم و وی در این برهه فعالیت‌های منزل نیز کمک می‌کرد.

سالهایی که با شهید شهرداری زندگی کردم بسیار مرا رعایت می‌کرد و به جرأت می‌توانم بگویم لقمه غیر حلالی وارد زندگی ما نشد.

قاسمی با تأکید بر اینکه شهید شهرداری علاقه داشت آنچه را که فرا گرفته به همه منتقل کند، تصریح کرد: شهید شهرداری بارها تا ساعت یک تا دو نیمه شب در خارج از منزل بود و هنگامی که از وی می‌پرسیدم کجا بودی؟ می‌گفت تز درسی یکی از دوستان به مشکلی برخورد کرده بود و در سایت کامپیوتری دانشگاه برای رفع این مشکل حضور داشتم.

شهید شهرداری به دانشجویان خود بسیار کمک می‌کرد و وقت می‌گذاشت که در این خصوص به وی می‌گفتم وقت خودم را حلال می‌کنم اما باید برای فرزندانمان وقت صرف کنیم.

همسر شهید شهرداری با بیان اینکه همسرم در انجام واجبات و ترک محرمات نیز به اندازه جدیت در مسائل علمی جدی بود خاطرنشان کرد: شهید شهرداری حتی در برخی عروسی‌ها حضور پیدا نمی‌کرد و با کسی هم تعارف نداشت. می‌گفت "وقتی قرار است حلالی حرام شود در آن محل حضور پیدا نمی‌کنم."

قاسمی با اشاره به اینکه همسر بسیار مراقبت می‌کرد تا حلال را حرام نکند تأکید کرد: شهید شهریاری مطالعه تفسیر قرآن را هرگز رها نمی‌کرد و تفسیر آیت‌الله جوادی آملی را به صورت کتاب و نرم‌افزار همیشه همراه خود داشت. در خانه بخش‌هایی از تفسیر قرآن را به من و فرزندان بیان می‌کرد و همچنین ارادت خاصی به حافظ داشت.

وی افزود: شهید شهریاری شعرهای حافظ را می‌خواند و آرام‌آرام اشک می‌ریخت. برخی اوقات روبروی من می‌نشست و شعر می‌خواند و نمی‌دانم در این اشعار چه می‌دید که اشک می‌ریخت.

قاسمی تأکید کرد: به نظرم این قانون الهی بود که همسر شهید شود و واقعاً لیاقت وی شهادت بود. و به این دلیل است که خداوند صبر عظیمی به من داده است.

همسر شهید شهریاری اظهار داشت: آیت‌الله جوادی آملی در مراسم چهلم همسر در اطلاعیه‌ای اعلام داشتند "همسر و خانواده شهید شهریاری مطمئن باشند که وی در روح و ریحان است. اگر با دو دست پر به بارگاه الهی راه یافت، نه تنها مشکل خودش را حل می‌کند بلکه مشکل دیگران را هم برطرف می‌کند و از دیگران شفاعت خواهد کرد."

وی افزود: آیت‌الله جوادی آملی شخصیت کمی نیست و طی چند سال اخیر با ایشان حشر و نشر داشتیم و به صورت خانوادگی خدمت ایشان می‌رسیدیم.

قاسمی با بیان اینکه یقین دارم جایی که اکنون دکتر شهرداری است بسیار خوب است و به منزل خود نیز نظر دارد، گفت: از دو یا سه روز پیش از حادثه تا آخرین لحظاتی که با همسرم بودم ارتباط عاطفی بسیاری بین ما برقرار شده بود. اگر آرامش درونی من نبود فکر می‌کنم نمی‌توانستم دوری شهید شهرداری را تحمل کنم و باید باور داشته باشید که حضورش را در منزل حس می‌کنم.

همسر شهید شهرداری تصریح کرد: شهید شهرداری به من و فرزندانم حتی اکنون که به شهادت رسیده آرامش می‌دهد و باید این نکته را توجه داشت که خداوند توفیق داد که به عنوان همسر در کنارش بودم. شهید شهرداری از نظر روحی بسیار به من نزدیک بود و در همه موارد زندگی با یکدیگر مشورت می‌کردیم. امیدوارم همسرم در پیشگاه خداوند متعال ما را از یاد نبرد و شفیع ما باشد.

خاطره سردار نقدی از شهید شهرباری و شاگردان چادری‌اش

وارد آزمایشگاه شدم، دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی مشغول فعالیت پژوهشی بودند. با دیدن دانشجویان دختر که در آزمایشگاه لیزر و هسته‌ای با دستگاه‌های ظریف و حساس آنجا چادر بر سر داشتند خیلی خوشحال و در عین حال متعجب شدم.

نقدی تصریح کرد: با دیدن این صحنه که در چنین رتبه علمی با برترین کشفیات و پژوهش‌های علمی، اینقدر به مسائل دینی توجه می‌شد کنجکاو و علت را جویا شدم. چون این موضوع نمی‌توانست از روی اجبار باشد آن هم در محیط خاص آزمایشگاه.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: وقتی از مسئولین دانشگاه پرسیدم پاسخ دادند: استاد این دانشجویان فردی مؤمن و از بچه‌های جنگ است که نفوذ کلام او و ارتباط صمیمی‌اش با دانشجویان، الگویی از او ساخته که تمامی دانشجویان او به مسائل دینی و رعایت احکام شرعی علاقه‌مند شده‌اند تا آنجا که دختران همگی داوطلبانه چادر بر سر دارند.

نقدی تاکید کرد: وقتی پیگیر شدم دیدم آن استاد دکتر مجید شهرباری است، دانشمند عزیزی که در راه اعتلای علمی کشورمان جان عزیز خود را تقدیم کرد.

تنظیم وقت دکتر شهریاری

آدم بزرگی بود. افق دیدش با دیگران متفاوت بود. موج تحولات او را به سادگی با خود نمیبرد. تفاوت ماشین خوب و بد را میفهمید اما به فکر این ها نبود. من زندگی دانشجویی مجید را دیدم و هم خانه ها را که عوض میکرد. وقتش را برای هر کاری هدر نمیداد. در خوابگاه برگه های کوچکی داشت که بالای تختش میچسباند.

خوابش هم حساب و کتاب داشت. معلوم بود چه ساعتی باید بخوابد یا چه ساعتی باید بیدار شود. مثلا اگر کسی ساعت ۱۰ شب میرفت و به او میگفت من الکترونیک ۲ را خوب نفهمیدم به کاغذ کنار تخت نگاه میکرد و میگفت روزهای فرد ساعت فلان تا فلان وقت دارم...

اخلاق دکتر شهریاری

پشتوانه علمی همه بچه ها بود. مخصوصا بچه های رزمنده که به خاطر جبهه از درس عقب افتاده بودند. البته به همه کمک میکرد. بی توقع به همه کمک میکرد. کارهایش را خودش انجام میداد وقتی این همه به دیگران کمک میکرد توقع این بود که دیگران هم کارهای او را انجام دهند .
اجازه نمیداد کسی کارهایش را انجام دهد در صورتی که همه دوست داشتند در عوض کمک های مجید به او کمک کنند اما او اصلا اجازه نمیداد...

شهید شہریاری

سال ۶۴-۶۵ تصمیم گرفتم از جبهه برگردم و بعد از گذراندن چند واحد درسی دوباره برگردم.

رفتم پیش دکتر گفتم بعضی از درس ها پیش نیاز دارد و من نمیتوانم آنها را بخوانم.

بعد گفتم که خوش به حال شما.

دکتر گفت خوش به حال ما نه!! بلکه خوش به حال شما...

گفتم چرا؟؟؟

گفت که شما در جبهه چیزهایی به دست آوردید که ما هر چه درس بخوانیم یا درس بدهیم نمیتوانیم به آنها برسیم.

ایام جنگ عده ای به سمت شهادت می رفتند اما دکتر خودش زمینه ای فراهم کرد تا شهادت سراغش بیاید.

البته دکتر دو نوبت جبهه رفته بود. در عملیات مرصاد هم بودند.

شهید شہریاری؛ دانشمندی که گفت جمهوری اسلامی «می تواند»

و «باید بتواند»

روایت عجیبی است حکایت زندگی انسان هایی که قبل از شهادت گمنام هستند و بعد از شهادت، شبیه افسانه. شہریاری، شہریار بلامنازع دانش هسته ای در ایران بود اما به جز شاگردان و دوستان نزدیکش، کسی او را

نمی‌شناخت. کمتر کسی می‌دانست غنی‌سازی ۲۰ درصد اورانیوم که میلیاردها دلار برای ایران ارزش داشت و دیپلمات‌ها در سخت‌ترین شرایط با استفاده از مهره ۲۰ درصد صفحه شطرنج را به نفع کشورمان تغییر داده‌اند، دستپخت آدمی بی‌ادعا به نام مجید شهریاری است. چند نفر در این دیار می‌دانند که شهریاری این کار بزرگ را بدون دریافت ریالی انجام داده است؟ این‌ها را علی اکبر صالحی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران می‌گوید و می‌افزاید: «برای ساخت صفحات سوخت، ما نیاز به تکنولوژی جدیدی داشتیم. اصلاً ما چرا تقاضای سوخت کرده بودیم؟ برای اینکه بلد نبودیم بسازیم! و خوب در محاسبات هسته‌ای کسی را نداشتیم و همچنین محاسباتی نیز پیش از این انجام نشده بود. اما شهید شهریاری با اعتماد به نفسی که داشت، و ما هم با اعتقادی که به ایشان داشتیم، این کار را به ایشان واگذار کردیم و ایشان هم به خوبی آن را انجام دادند. یعنی اگر در آن زمان شهید شهریاری می‌گفت که من مثلاً ۱۰ میلیارد تومان دستمزد می‌گیرم تا این کار را انجام دهم، ما مجبور بودیم که بدهیم؛ هر چه می‌گفت، مجبور بودیم که بدهیم برای اینکه کس دیگری نبود که این کار را انجام دهد. تنها کسی که در مملکت می‌توانست این کار را انجام دهد، شخص شهید شهریاری بود و لاغیر. با این حال، ایشان حتی یک ریال هم دستمزد نگرفت. حتی وقتی من خواستم دستمزد ایشان را پرداخت کنم،

ناراحت شدند و گفتند که من این کار را برای کشورم انجام دادم. من یک کلمه به شما بگویم. اگر شهید شهریاری را در زمینه علم هسته‌ای نمره ۱۰۰ بدانیم، به بهترین نفر بعدی در کشورمان در این زمینه شاید بتوان نمره ۵۰ داد. یعنی واقعا ایشان روی قله ایستاده بود.»

اگر شهادت نبود، کی می‌شد بفهمیم استاد سخت‌گیر و شوخ طبع دانشگاه شهید بهشتی که هنوز هم جزوه‌هایش دست به دست بین دانشجویان می‌گردد، گوهر یک‌دانه فناوری هسته‌ای کشورمان بود؟ وی دروسی همچون فیزیک عمومی و پایه، فیزیک راکتور و دینامیک راکتورهای هسته‌ای را تدریس می‌کرد و چهار کتاب مرتبط با حوزه کاری خود و چندین مقاله بین‌المللی در زمینه مهندسی هسته‌ای در مجلات معتبر به چاپ رسانده است.

«روزی که مجید شهریاری ترور شد، فریدون عباسی رئیس وقت سازمان انرژی اتمی کشور هم مورد سوءقصد قرار گرفت اما جان سالم به در برد تا اکنون برای ما از رفاقت ۱۶ ساله‌اش با شهید شهریاری بگوید و تعریف کند که باسوادترین مرد هسته‌ای ایران، شاگرد آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر قرآن بوده است: «من چند روز پیش از ترور ایشان که به اتاقش در دانشگاه رفتم، با ذوق به من گفتم که تفسیر یک سوره دیگر هم از طرف آیت‌الله جوادی آملی تمام شد. در بحث‌های علمی هم ایشان خیلی شاخص بود؛ یعنی

واقعا کامل بر علوم تسلط داشتند و در رشته‌های دیگر هم وارد می‌شدند. اگر جایی تصمیم می‌گرفت که وارد علوم دیگر بشوند، خیلی خوب و کامل آن‌ها را مطالعه می‌کرد و یاد می‌گرفت. یعنی اگر لازم بود برای کاری، شیمی یاد بگیرد، می‌رفت و به‌طور کامل و خوب یاد می‌گرفت و خیلی جالب بود که متخصص‌های مختلف خیلی زود جذب ایشان می‌شدند. قدرت عجیبی در جذب و گردآوری افراد با تخصص‌های مختلف برای پیشبرد پروژه‌های گوناگون داشت.»

البته وزیر امور خارجه فعلی کشورمان می‌گوید که شهرداری قبل از رفتن، راه را به شاگردانش آموخته است: «شهید شهرداری پروژه‌های دیگری هم برای غنی‌سازی ۲۰ درصد انجام داد و در این زمینه، یک راه جدید برای تحقیقات علمی کشور باز کرد. وقتی که ایشان شهید شد، من واقعاً نگران نتیجه این پروژه شدم و گفتم خدایا، ما الان شهید شهرداری را از دست دادیم درحالی که این پروژه هنوز کامل نشده. پس چطور ادامه بدهیم؟ وقتی این مطلب را با همکاران و اطرافیان شهید شهرداری در میان گذاشتم، گفتند اصلاً نگران نباش. ایشان برای ما کلاس گذاشته بود و تمام شیوه‌های محاسباتی را به ما آموخته بود. انشاءالله ظرف یک ماه آینده این کارخانه که مدرن‌ترین

کارخانه در جهان است با نام شهید شهرداری راه خواهد افتاد و نتیجه زحمات ایشان که توسط شاگردانش محقق شده، کام مردم را شیرین خواهد کرد.»

اما شهادت دکتر شهرداری از زبان دکتر صالحی: «شهادت مجید واقعا کمر من را شکست. واقعا از لحاظ علمی، یک پدیده نایاب بودند و باعث افتخار جامعه علمی کشور ما. او تمام زندگی اش را وقف آموزش دادن به شاگردانش کرد تا پس از شهادتش، کمر صنعت هسته‌ای ایران خم نشود.»

«نفر اول کنکور ارشد هسته‌ای» که «عارف و عابد برگزیده

الهی» هم بود

سال گذشته چند ماه پس از شهادت شهید دکتر شهرداری، خلاصه‌ای از سوابق علمی و فعالیتهای آموزشی و پژوهشی وی به دستخط این شهید والامقام منتشر شد که شهید شهرداری در این یادداشت عنوان کرده که در کنکور کارشناسی ارشد مهندسی هسته‌ای با کسب رتبه اول در دانشگاه شریف پذیرفته شد است.

چشم ارتقاء شهید دکتر مجید شهرداری به درجه استادی

شهید شهرداری در این متن آورده است: اینجانب در کنکور سراسری سال ۱۳۶۳ با کسب رتبه دوم در سهمیه مربوطه در رشته الکترونیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر پذیرفته شده و پس از فراغت تحصیل در کنکور کارشناسی ارشد مهندسی هسته‌ای شرکت کرده و با کسب رتبه اول تحصیلات خود را از

سال ۱۳۶۹ در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کردم. در سال ۱۳۷۱ نیز دوره کارشناسی ارشد خود را به پایان رساندم و با توجه به کسب رتبه اول در دوره مذکور با استفاده از آیین نامه دانشجویان رتبه اول، در دوره دکتری علوم و تکنولوژی هسته‌ای دانشگاه صنعتی امیرکبیر پذیرفته شدم. تحصیلات دوره دکتری خود را نیز در سال ۱۳۷۷ به پایان رسانده و از آبان ماه ۱۳۷۷ نیز به عنوان عضو هیئت علمی در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر مشغول به کار شدم. دکتر شهریاری در ادامه به خاتمه همکاری خود با دانشگاه امیرکبیر اشاره کرده و یادآور شده است: با توجه به عدم شرایط مناسب برای ادامه فعالیت علمی در دانشکده مذکور عدم تمایل خود به ادامه همکاری با دانشگاه امیرکبیر اعلام کرده و با پذیرش استعفای اینجانب از سوی دانشگاه امیرکبیر قرار داد همکاری اینجانب با دانشگاه امیرکبیر از تاریخ ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۸۰ به اتمام رسید. این سوابق درخشان علمی را بگذارید در کنار یک جمله تاریخی که آیت‌الله جوادی آملی درباره شهید شهریاری بیان کرده‌اند که خود نشان دهنده عظمت شخصیت معنوی این بزرگوار است: «راز موفقیت شهید شاهد دکتر شهریاری، پی‌بردن به حقیقت علم و هجرت از آن به معلوم و ترغیب به چنین هجرتی است.»

دیدار رهبر انقلاب با خانواده شهید دکتر شهریاری

رهبر که قبلاً صحبت‌های همسر شهید را از تلویزیون دیده، تقدیری از شهید و خانواده‌اش می‌کند: «شهادت دکتر شهرداری، آبرویی داد به جامعه علمی کشور. شهادت همچنين شخصیت برجسته و مورد قبولی، به دشمن نشان داد که در محیط علمی جمهوری اسلامی، اینجور شخصیت‌ها و انگیزه‌هایی وجود دارد.» و بعد هم از مقام شهید می‌گوید و از عنایت الهی که موجب تسلی بازماندگان است: مهم‌ترین تسلی که انسان در اینجور حوادث به خودش می‌دهد این است که می‌داند خدای متعال برای اینجانشانی‌ها و این شهادت‌ها و این خون‌های به ناحق ریخته شده، ثواب‌هایی را معین و مدون کرده که به ذهن ما هم خطور نمی‌کند! به قدری این مقامات و درجات الهی، عالی و غیرقابل توصیف است که ما اصلاً نمی‌توانیم درک کنیم؛ و مطمئن باشید ایشان الان در بهترین حالات است، که هر مؤمنی و هر انسان صالحی، اگر چنانچه اندکی از آن مراتب را بتواند با دیده بصیرت خودش ببیند، آرزو می‌کند که ای‌کاش ما به همین سرنوشت دچار بشویم. و الحمدلله رب العالمین ایشان (شهید شهرداری) وضعشان اینطور است؛ و بزرگ‌ترین تسلی این است. لکن تسلی دومی هم وجود دارد و آن قدردانی مردم است. دیدید که مردم ما چه قدردانی و چه ارزش‌گذاری کردند از این شهید بزرگوار.»

خانم دکتر که در دانشگاه هم همکار دکتر شهریاری بوده، می‌رود سراغ خاطرات همسرش: «نماز شبش به‌راه بود. حتی شب عروسی هم سجاده نماز شبش جمع نشد.» می‌داند که همه می‌دانند همسرش از دانشمندان طراز اول مملکت بوده، دیگر چه اهمیتی دارد که رتبه ۲ کنکور بوده و مهندسی برق دانشگاه امیرکبیر خوانده، یا نمره درس ریاضی ۲ را ۱۹.۵ گرفته؛ درسی که تقریباً هر مهندسی سابقه یکی‌دوبار افتادن در آن را دارد.

دوست دارد مردم از دین و ایمان همسرش هم بدانند: «سرپرستی مالی چند خانواده رو برعهده داشت. تازه، مطمئنم خیلی‌هاش رو هم ما خبر نداریم.» بعد هم از تأسیس صندوق قرض‌الحسنه مسجد و چند کار دیگر می‌گوید. مطمئن است که شهادت دکتر به خاطر این تزکیه نفس بوده، نه آن مدارج علمی. این تلقی را رهبر هم تأیید می‌کند. رهبر از احوال جسمی خانم دکتر می‌پرسد. ۲۰۰ ترکش در بدن خانم دکتر، رهبر را هم به تعجب می‌اندازد. اما وقتی از ترکشی می‌گوید که در کنار قلبش جا خوش کرده، رهبر را می‌برد به ۳۰ سال پیش؛ روزی که خودش را ترور کرده بودند: «توقع اینکه من زنده بمونم نبود. وقتی به هوش می‌آمدم، به نظرم می‌رسید دارم می‌رم. مرگ رو می‌دیدم.»

رهبر این‌ها را که می‌گوید، به دست راستش اشاره می‌کند؛ یادگار همان ترور: «وقتی خوب شدم، با خودم گفتم حتما علتی داشته؛ خدای متعال از من توقعی داشته. همون موقع به امام (ره) هم گفتم این حرف‌ها رو. البته اون موقع فکر می‌کردم به خاطر جبهه و جنگ و این جور چیزهاست. شما هم همین فرض رو بکنید. اگر ترکشی تا نزدیکی قلب می‌ره و وارد قلب نمی‌شه، اتفاقی نیست. می‌شود گفت که تصادفیه، اما همه تصادف‌ها با اراده الهی صورت می‌گیره. حتما خدا توقع دارد کاری بکنید. زمینه‌اش هم هست. هم زمینه فعالیت علمی دارید، هم دانشجویان و جوانان زیادی زیر دست شما هستند.» خانم دکتر که فرصت را مناسب دیده، نکته‌ای را برای حفاظت بهتر از دانشمندان مطرح می‌کند و می‌گوید: «من راضی‌ام به رضای خدا. مطمئنم که این شهادت، تقدیر مجیدم بود. برای خودم نمی‌گویم. اما می‌خواهم که بیشتر مواظب دانشمندان دیگر باشند.» بعد هم می‌شنود که رهبر این دستور را قبلاً داده. درددل‌ها که تمام می‌شود، رهبر به رسم همیشه، قرآنی را به همسر و مادر شهید هدیه می‌کند. اما جمله یادگاری رهبر، این بار کمی با یادگاری‌های دیگر متفاوت است؛ درحد یک کلمه: «بسم الله الرحمن الرحيم. اهدایی به خانواده دانشمند شهید عزیز؛ آقای دکتر مجید شهریاری. سیدعلی خامنه‌ای ۳۰/۱۰/۸۹»

و انگار تمام ماجرا در همین یک کلمه «دانشمند» بود تا برای خیلی‌ها ثابت شود که در باغ شهادت هنوز باز است.»

مسئولیت ترور شهید شهریاری با کیست؟

ترور دکتر شهریاری آنطور که در آغاز تصور می‌شد، مدتی طولانی بدون بانی و مسبب باقی نماند. لبخندها و قهقهه‌های مستانه دشمنان ایران که تا مدتی پس از شهادت ایشان ادامه داشت، دیری نپایید که جای خود را در رسانه‌ها هم باز کرد و چند روز پس از ترور، بانیان آن خودشان را لو دادند؛ نه در یک وبلاگ یا سایت گمنام خبری بلکه در بخش فارسی سایت رسمی وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی. ماجرای این لو دادن را دکتر سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در پایان مذاکرات هسته‌ای ژنو این‌طور توضیح داد :

«چند روز پس از این ترور، سایت رسمی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی رسماً اعلام می‌کند این اقدامی غیرجنگی برای ممانعت از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای بود. صهیونیست‌ها پس از آنکه متوجه این گاف شدند، مطلب را از روی سایتشان برداشتند و اینگونه توجیه کردند که ما صرفاً گمانه‌زنی کردیم، نه اینکه به ترور اعتراف کنیم. چند هفته قبل از این اقدام، رئیس سرویس امنیتی یکی از کشورهای اروپایی، به ضراحت اعلام کرد که ما می‌خواهیم با اقدامات امنیتی اطلاعاتی مانع پیشرفت هسته‌ای ایران شویم.»

روایت دکتر سعید جلیلی از نقش شهید شهریار در ارتقای

صنعت هسته‌ای ایران

اکنون و با گذشت چند سال از شهادت این دانشمند بزرگ، هنوز به یک سوال پاسخ داده نشده است: «این یک سوال بزرگ برای جامعه جهانی است که باید پاسخ بدهند که چه رابطه‌ای است میان قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که جریان‌های تروریستی اقدام به اجرای آن‌ها می‌کنند؟!»

در واقع سمفونی تروریسم بین‌الملل چند صباحی است که خوب می‌نوازد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ساز را با انتشار اسامی اساتید دانشگاه‌های معتبر ایران به بهانه همکاری با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران کوک می‌کند؛ شورای امنیت این نام‌ها را در فهرست تحریم و قطعه‌نامه می‌آورد و تروریست‌ها یک به یک در کنار اسامی اساتید ایرانی تیک می‌زنند.

و اما حرف آخر؛ ما همه فرزندان امام روح‌الله هستیم

همسر استاد شهریار خود را مدیون شوهر می‌داند و می‌گوید باید تلاش کنیم در عرصه انرژی هسته‌ای یک جایگزین برای مجید پیدا کنم و طرح‌های نیمه تمام او را تمام کنیم و گرنه دین خودم را به او ادا نکرده‌ایم.

ضمن آنکه دشمن بداند ما فرزندان امام روح‌الله هستیم و با این شهادت‌ها و مصائب از میدان خارج نمی‌شویم و دکتر شهریار هم خود را فرزند امام می‌دانست و درک کردن دوران امام راحل را از الطاف خداوندی برای خود

می خواند. دکتر قاسمی همچنین از نکته‌ای رازآلود سخن می‌گوید؛ «با همسر شهیدم عهدی بسته‌ام که به کسی نمی‌گویم و فقط خدا شاهد وفای به عهد من خواهد بود.»

وی از عروسی و زندگی ساده‌اش در ابتدای زندگی با «مجیدش» می‌گوید که با لباس عروس از پله‌های خوابگاه دانشجویی متأهلی بالا رفته است و در همان سوئیت کوچک دانشجویی احساس عزت می‌کرده است.

مشارکت سیا و موساد و منافقین در ترور شهیدشهریاری

فیل جرالدی افسر سابق سیا و بخش اطلاعات ارتش آمریکا در یادداشتی در پایگاه خبری «آی‌آرای ستر» اذعان کرد در هشتم آذر ۱۳۸۹ سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی با همکاری گروهک منافقین اقدام به ترور «مجید شهریاری» دانشمند هسته‌ای ایران کردند. جرالدی ترور شهریاری را اقدامی ننگین و شرم‌آور از طرف موساد جهت دخالت و صدمه زدن به برنامه تحقیقاتی و صلح‌آمیز هسته‌ای ایران توصیف کرد و نوشت: شهریاری در میان چهار دانشمندی که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ از سوی تروریست‌ها ترور شدند، برترین بود. شهید شهریاری در توسعه تحقیقات قدرت هسته‌ای ایران پیش‌رو بوده و در جهان نیز به خاطر مهارتی که در فیزیک کوانتوم و جابجایی نوترون داشت، شهرت یافته بود.

خبرگزاری آمریکایی NBC نیز فوریه ۲۰۱۲ به نقل از یکی از فرماندهان ارتش آمریکا، به دست داشتن سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان اذعان کرد و نوشت که «مأموران موساد، اعضای گروهک تروریستی منافقین را برای ترور افراد مشخصی آموزش می‌دهند و واشنگتن به طور کامل در جریان عملیات‌های محرمانه قرار دارد». همچنین خبرگزاری آلمانی اشپیگل نیز در ۲۰۱۱ میلادی به نقل از منابع آگاه فاش کرد، موتورسواری که با چسباندن بمب مغناطیسی به اتومبیل افراد موردنظر اقدام به ترور می‌کنند. همگی به وسیله موساد آموزش دیده‌اند. شهید شهریاری نیز به این صورت شهید شد.

روایت شهادت از زبان محافظ دکتر شهریاری

صبح از منزل بیرون آمدم. وارد اتوبان ارتش شدیم. همسرشان هم در ماشین بود. حدود ۴، ۵ دقیقه‌ای از منزل فاصله گرفتیم. موتورسواری بمب را به آن سمت که آقای دکتر نشسته بود چسباند. چند ثانیه نشد که نگه داشتم و صدا زدم که پیاده شوید. دکتر یک پایان‌نامه را مطالعه می‌کرد. فکر کنم همان روز جلسه دفاع داشت. کاملاً در فضای پایان‌نامه بود. زمانی که گفتم پیاده شوید، حاج خانم در را باز کرد و پیاده شد. دکتر سرگرم مطالعه بود و عکس‌العملی نشان نداد. حاج خانم که زود پیاده شده بود، خواست در را باز

کند که با انفجار مجروح شد. ایشان ضربه شدیدی خورده بود؛ از پا و سرش خون می‌رفت. تمام بدنش مجروح شده بود. آمبولانس آمد و ایشان را به بیمارستان فرستادیم. آقای دکتر در جا شهید شده بود.

روایت شهادت از زبان همسر دکتر شهریاری (حسرت آخرین

دیدار)

دکتر ماشین و راننده داشت. من هم با ماشین خودم می‌رفتم. آن موقع طرح زوج و فرد را اجرا می‌کردند. پلاک ماشین من فرد بود. گفت بیا با هم برویم. آن روز اتفاقی با هم همراه شدیم. ۵۰۰ متر از اتوبان ارتش را طی نکرده بودیم که با ترافیک ابتدای اقدسیه مواجه شدیم. راننده سرعت را کم کرد تا از منتهی‌الیه سمت راست به سمت دارآباد برود. یادم هست که چند ثانیه قبل از انفجار یک چیزی از دکتر پرسیدم؛ برگشت و جواب داد. بعداً در نامه‌هایش که می‌گشتم، دیدم بعد از ظهر همان روز در دانشگاه شریف جلسه دفاع داشته. آن لحظه تز آن دانشجو را مطالعه می‌کرد. سرش به آن گرم بود. موتوری آمد و بمب را چسباند. من داشتم بیرون را نگاه می‌کردم. از پنجره سمت دکتر موتوری را دیدم. راننده متوجه شد و سریع نگه داشت. من آتن بمب را دیدم. راننده داد زد برید بیرون. همان لحظه صدای مجید را شنیدم که گفت چه شده؟ سریع پریدم که در را برایش باز کنم. قبل از این که بیرون بروم، دست مجید را دیدم که رفت کمر بند را باز کند. ظاهراً کمر بند را باز کرده و برگشته

بود تا در را باز کند. من هم رفتم در جلو را باز کنم. بمب خیلی بزرگ بود؛ یک چیزی مثل گوشی تلفن‌های سیار. آنتن بلندی داشت. خواستم در را باز کنم که دکتر پیاده شود. دستم نرسید. منفجر شد. بمب طوری طراحی شده بود که موجش به سمت داخل باشد. تمام موج روی مجید من منتقل شد. انفجار من را پرت کرد. سمت عقب ماشین افتادم. دردی احساس نکردم. فقط یک لحظه سوزش اولیه بمب را روی صورتم حس کردم.

بعداً فهمیدم که همه صورتم و موها و چشم و ابرویم سوخته. هوشیار بودم. آمدم بلند شوم، نمی‌توانستم. پای چپم خرد شده بود، ولی درد نداشتم. هر بار آمدم بلند شوم، می‌افتادم. راننده هم در همین حین بالای سرم آمد. گفتم من را ببر پیش دکتر. توی سر خودش می‌زد. یک عابر این صحنه را فیلمبرداری کرده است. با آرنج، خودم را روی زمین کشیدم. تنها دردی که احساس کردم، وقتی بود که خودم را روی آسفالت کشیدم. دستم پاره شده بود و گوشتش روی آسفالت کشیده می‌شد. به هر حال خودم را تا در جلو کشیدم. روی زمین بودم. دیدم که دکتر روی صندلی نشسته. من چیز منهدم شده ندیدم. فقط دیدم که سرش روی صندلی افتاده است. بعداً گفتند که پای راست و دست چپ دکتر کاملاً از بین رفته بود. چون هوشیار بودم، می‌دانستم که تمام شده است. خیلی دلم می‌خواست می‌توانستم بالا بروم. می‌دانستم که

آخرین لحظه‌ای است که او را می‌بینم. اگر این برانکاردی‌ها وارد بودند، یک لحظه من را بالای سرش می‌بردند. ولی دو تا پسر بچه بودند. به خودم گفتم اگر من امدادگر بودم، آن لحظه فکر می‌کردم که این آخرین لحظه‌ای است که این فرد می‌تواند بدن گرم عزیزش را حس کند. شاید خودم این پیشنهاد را می‌دادم که می‌خواهی ببرمت تا بغلش کنی. ولی بچه بودند. از امدادگر پرسیدم دکتر شهید شده / خیلی بچه سال بود. گفت شما راحت باشید. گفتم به من بگو. گفت شما آرام باشید. گفتم بچه جان به من بگو. پیش خودم گفتم که بچه است دیگر. می‌دانستم تمام شده است. دکتر به ملکوت پرواز کرده بود و من در اثر شدت جراحی، در حسرت دیدن چهره مجید، توسط نیروهای امدادگر منتقل شدم. / همسر شهید

وصیت نامه ی شهید مجید شهریاری

بسمه تعالی

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا محمد وآله الطیبین
الطاهرین، سیمّا خاتمه الاوصیاء، حجة بن الحسن العسکری روحی و ارواح
العالمین لتراب مقدم الفداء.

حمد و سپاس به محضر حق سبحانه و تعالی که با انزال کتب و ارسال
رسل نعمت خود را بر بندگانش تکمیل فرموده و طریق حق و صراط مستقیم
و جاده کمال را هویدا ساخت و شکر بی پایان به درگاه با عظمتش که از لطف
و کرم و رحمت بی انتهایش بر ما تفضل فرموده و زادگاه مان را در مرکز
قلمرو اسلام و مهد ولایت و امامت قرار داد و راه رسیدن به حق را بر ما آسان
فرمود هزاران شکر که دوران حیات دنیوی ما را با ظهور اسلام در عرصه ی
زندگی و تبلور آن در راه ادامه ی اجتماع توأم ساخته و توفیق درک دوران
حیات رهبرکبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه زکیه) را
برما ارزانی داشت.

خداوندا از تو می خواهیم که توفیق شکر نعمت های بی شمارت را بر

ما ارزانی داری.

اکنون که دست این بنده‌ی حقیر و عاصی از جمع دوستان و خویشاوندان کوتاه شده است چند تذکر و سفارش دارم که امیدوارم مورد عنایت و توجه بازماندگان قرار گیرد.

مغتنم شمردن فرصت

اول آن که اندکی در احوال روحی و چگونگی اوضاع معاد و معاش خود فکر کنید و ببینید که آیا آماده‌ی پاسخگویی برای قبر و قیامت خود هستید یا نه؟

عزیزان، این حقیر تا چندی پیش در میان شما بود و هم اکنون رخت از جهان فرو بست. معلوم نیست که عمر دیگران تا کی باشد سعی کنید که فرصت باقی مانده از عمر را صرف جبران گذشته و کسب توشه‌ی آخرت کرده و چون این حقیر، اوقات شریف عمر را ضایع نکنید. به درگاه رحمت و عظمت الهی روی آورده و به ریسمان محکم قرآن و اهل بیت عصمت علیهم السلام چنگ زنید.

خدمت به بندگان

از خدمت به بندگان خدا دریغ نورزید و از نیاز دیگران به شما به عنوان یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی قدر دانی کنید و بدانید که خداوند

متعال قدرت و ثروت و موقعیت اجتماعی و دیگر ظواهر دنیوی را جهت امتحان در اختیار بندگانش قرار داده و ساحت قدس او از هر نیازی مبرا است. پس پیش از اینکه نعماتش را از شما بگیرد از آن ها استفاده کنید. مسئله ی دیگری که سفارش به آن را لازم می دانم، تکلیفی است که همه در قبال اجتماع مسلمین و تحکیم و تقویت نظام اسلامی، این میراث گرانقدر امام راحل و شهدای گرانقدر، دارند.

امروز عزت و اقتدار اسلام در گرو پاسداری از ارزش های انقلاب اسلامی و استحکام پایه های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است. مراقب باشید که این نعمت بزرگ الهی را به ثمن بخش راحت طلبی و بی تفاوتی نفروشید و هر گونه مشکلی را امتحانی برای صبر و پایداری و هر کم و کاستی را آزمونی برای تلاش خود در جهت رفع نقایص موجود تلقی کنید.

طلب مغفرت از دوستان و آشنایان

در پایان از همه ی دوستان و آشنایان التماس دعا و طلب مغفرت دارم و از همه ی کسانی که حقی بر گردن حقیر داشته و یا در معاشرت با آن ها کوتاهی کرده و موجبات زحمت و اذیتشان را فراهم نموده ام و یا در حضور و غیابشان سخن ناشایست بر زبان جاری کرده ام حلالیت می طلبم و امیدوارم

که با عفو و گذشت در حق این بنده ی خاطی، خداوند متعال بابتی از عفو و رحمت بی انتهایش برویشان بگشاید.

ربنا اغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار.

پیام همسر شهید مجید شهریاری پس از شهادت

از اینکه خون شهید ما برای عزت و افتخار ایران و هموطنان ریخته شده افتخار می کنم البته همه ملت ایران می دانند که آمریکا و اسرائیل با پیشرفت های ایران در همه زمینه های علمی و غیر علمی مخالفند. بعد از شهادت دکتر علی محمدی به ما هم تذکر داده بودند که مراقب باشیم و ما هم جدی گرفته بودیم اما می گفتیم هر چه خدا بخواهد می شود حتی برخی اوقات در جمع دوستان خانوادگی شوخی می کردیم که این بار شهادت نوبت همسر شماست یا من. در مجموع دوری مجید خیلی برای من و فرزندان سخته. البته فقدان مجید برای جامعه علمی هم دشواره. اما مطمئنم که راه مجید ادامه پیدا خواهد کرد. مجید واقعا آماده شهادت بود چون وقتی زندگی این مرد را مرور می کنم می بینم رویه مجید در زندگی هیچ سرانجامی جز شهادت نداشت.